اخبار کوتاه

ورود وزارت بهداشت به «خشونت علیه کادر درمان»

مشاور عالی و جانشین وزیر بهداشت درباره «خشونت علیه کادر درمان» با بیان اینکه حضور پلیس در مراکز درمانی، این موضوع را حل نمی‌کند، در عین حال از ورود معاونت‌های مختلف وزارت بهداشت به این موضوع و مذاکره جهت بازنگری در قوانین و بازدارنده شدن آن، خبر داد. دکتر علی جعفریان در گفت‌وگو با ایسنا، درباره نقش حضور پلیس در مراکز درمانی برای کنترل خشونت علیه کادر درمان اظهار کرد: در حال حاضر، پلیس در بسیاری از بیمارستان‌های کشور به ویژه مراکز درمانی پرمراجعه حضور دارد، اما باید بدانیم که «حضور پلیس در بیمارستان‌ها» موضوع خشونت علیه کادر درمان را حل نمی‌کند. موضوع اصلی این است که برخورد با افراد خاطی باید به میزان کافی بازدارنده باشد. وی با بیان اینکه «خشونت علیه کادر درمان» موضوعی شناخته شده در تمام کشورها است، تصریح کرد: خشونت علیه کادر درمان در تمام کشورها گزارش شده اما چگونگی و مدل این موضوع با توجه به میزان توسعه‌یافتگی کشورها متغیر است. اینطور نباید تصور کرد که خشونت علیه کادر درمان فقط در ایران وجود دارد و در سایر کشورها چنین موضوعی گزارش نشده است.

هشدار درباره سوزاندن لاستیک‌های فرسوده

سرپرست معاونت محیط زیست انسانی حفاظت محیط زیست استان تهران با اشاره به وقوع حریق ناشی از سوزاندن لاستیک‌های فرسوده در شهرک نقش جهان پیشوا گفت: سوزاندن پسماندها به‌ویژه لاستیک‌های فرسوده به دلیل انتشار آلاینده‌های خطرناک، اقدامی پرخطر و مغایر با اصول مدیریت محیط زیست است. به گزارش ایسنا فاطمه اکبرپور با بیان اینکه عملیات اطفای حریق ناشی از سوزاندن لاستیک‌های فرسوده توسط نیروهای آتش نشانی با موفقیت انجام شد، اظهارکرد: بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد سوزاندن لاستیک‌ها به دلیل ساختار پلیمری و ترکیبات شیمیایی آن‌ها، منجر به انتشار طیف وسیعی از آلاینده‌های هوا شامل ذرات معلق، ترکیبات آلی فرار و ترکیبات آلی پایدار مانند دی اکسین، فوران می‌شود و این آلاینده‌ها علاوه بر تهدید مستقیم سلامت جامعه، موجب تشدید آلودگی هوا نیز خواهند شد. وی با تأکید بر اینکه سوزاندن پسماند اقدامی پرخطر و مغایر با اصول زیست محیطی است، افزود: مدیریت صحیح لاستیک‌های فرسوده از طریق روش‌های بازیافت مکانیکی و حرارتی (پیرولیز) و استفاده در صنایع بازیافتی، ضمن کاهش خطرات زیست محیطی می‌تواند به تولید مواد اولیه ارزشمند و صرفه‌جویی در منابع منجر شود.

انتقال باراندازها و انبارها از بازار تهران

معاون شهردار تهران با تأکید بر ضرورت ورود دولت و مجلس به موضوع نوسازی بافت‌های فرسوده گفت: ۵۰ درصد پایتخت در وضعیت ناپایدار قرار دارد و بازسازی آن می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال و نقدینگی، موجی از سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در کشور به همراه داشته باشد. لطفا... فروزنده در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره بافت فرسوده تهران اظهار کرد: برای بافت فرسوده برنامه‌های موضعی و موضوعی داریم؛ طرح‌های ترمیم بافت فرسوده در کن، منطقه ۱۲ و محله هرندی و گودنشینان باغ آذری از این دست هستند. معاون شهردار تهران با اشاره به ایمنی بازار تهران گفت: برنامه‌مان این است که باراندازها به بیرون از شهر منتقل شوند؛ این مسئله تا ۴۰ درصد از حمل و نقل را کاهش می‌دهد و در این خصوص در حال مذاکره با اصناف هستیم. نزدیک به ۱۶ هکتار در میدان تره‌بار آماده کردیم و بخش خصوصی و بنکداران را پای کار آوردیم و برای انتقال بخشی از صنایع و صنوف هم مذاکرات لازم را داشتیم و جایشان را هم مشخص کرده‌ایم.

هوش مصنوعی به زودی در کتاب‌های درسی

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه مسئله سربازی و معافیت تحصیلی معلمان و ضرورت گذراندن دوره‌های آموزش نظامی کوتاه مدت چند سالی است مطرح شده است گفت: در تلاشیم این دوره‌ها به شکل فشرده، در قالب یک یا دو هفته، برگزار شود تا کمترین تاثیر را بر روند آموزشی داشته باشد تا همکاران بتوانند همزمان با فعالیت‌های فرهنگی، آموزش نظامی را نیز ببینند. علیرضا کاظمی در پاسخ به این سوال که برنامه وزارت آموزش و پرورش برای استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش بنیان ذیل وزارت آموزش و پرورش مثل شرکت پژوهش و نوآوری صنایع آموزشی چیست، با اشاره به تحولات فناورانه در عرصه آموزش گفت: در مسیر بهره‌گیری از هوش مصنوعی در آموزش و پرورش پیش می‌رویم و با همکاری معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و شرکت‌های دانش‌بنیان ذیل وزارت آموزش و پرورش، گام‌های مهمی برداشته‌ایم. وی افزود: برنامه در سه فاز استفاده مقدماتی از هوش مصنوعی در فرایند یادگیری، تولید محتوا با فناوری هوش مصنوعی و در نهایت شناسایی و پرورش استعدادهای مرتبط با این حوزه تعریف شده است. وی اظهار کرد: موضوع هوش مصنوعی به‌زودی در کتاب‌های درسی و برنامه درسی رسمی جای خواهد گرفت و ما از ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان و بخش خصوصی برای تجهیز مدارس با بهترین فناوری‌های آموزشی استفاده خواهیم کرد.

گزارش «آرمان ملی» از تاثیر میزان سلامت روانی افراد در تصادفات

تاثیر مستقیم وضعیت روانی رانندگان در تصادفات

آرمان ملی – شفق محمد حسینی: حتی اگر راننده نباشید هم متاسفانه حتما برایتان پیش آمده است که شاهد صحنه یک تصادف و درگیری لفظی و حتی شدیدتر از آن در خیابان‌ها و معابر شهر باشید. نکته مشترک اغلب رانندگان و عابران پیاده اما عدم توجه و رعایت قوانین است. کافی است در یکی از چهارراه‌های شهر کمی توقف کنید و نگاهی به رفتار عابران و رانندگان بیندازید. اگر به دهه‌ها قبل هم رجوع کنید، یا از رانندگان قدیم بپرسید، همیشه درصد بالایی از مردم و رانندگان و عابران پیاده، توجهی به رعایت قوانین نمی‌کنند. این مساله که حالا دیگر به رفتار عادی اغلب افراد جامعه تبدیل شده است، هرچه شمار خودروها بیشتر شد، نمود آن در تصادفات نیز افزایش پیدا کرد. به طوری که حالا حتی قرار است که در آزمون راهنمایی و رانندگی، صلاحیت روانی دریافت کنندگان گواهینامه نیز بررسی شود. هرچند غیر از رانندگی، خشونت و عصبانیت، در رفتار اجتماعی افراد، بیش از گذشته به چشم می‌خورد، و این حاکی از جامعه‌ای خشمگین است، اما در هنگام رانندگی این مساله می‌تواند ابعاد وسیع‌تری پیدا کند و تبعات جبران ناپذیری را وارد کند که گاه حتی منجر به مرگ شود. تصویر دو راننده که با هم درحال مشاجره هستند را اگر هرروز در سطح شهر در حال تردد باشید، بارها خواهید دید. هرچند آماری از میزان خشونت به کاررفته وجود ندارد، اما درگیری‌های بیشتر از مشاجرات لفظی و جدی‌تر، بیش از گذشته به نظر می‌رسد. به طوری که متاسفانه برخی افراد حتی با خود سلاح سرد مانند چاقو نیز حمل می‌کنند، که این مساله تبعات درگیری‌ها به خصوص در لحظه اوج عصبانیت را افزایش می‌دهد. حالا سرهنگ رابعه جوانبخت، رئیس اداره تصادفات پلیس راهور تهران بزرگ هم با اشاره به نقش مستقیم وضعیت روانی رانندگان در بروز بسیاری از تصادفات پایتخت، گفته است که: اضطراب، نگرانی، پرخاشگری و تصمیمات لحظه‌ای می‌توانند زمینه‌ساز وقوع حوادث رانندگی باشند و ایمنی شهری را با چالش مواجه کنند. رانندگی، تنها یک فعالیت مکانیکی نیست؛ بلکه رفتاری اجتماعی است که به شدت تحت تأثیر شرایط روحی و روانی فرد قرار دارد. خشم، اضطراب، نگرانی و شوک‌های روانی ناشی از تماس‌های تلفنی یا اخبار ناگوار، می‌توانند تمرکز راننده را مختل کرده و تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای را به خطر بیندازند.

پای بندی به قانون نتیجه نوع تربیت در کودکی

در همین راستا، حسین روزبهانی، روانشناس بالینی و استاد دانشگاه، درباره رفتار رانندگان ایرانی هنگام رانندگی و قانون گریزی آنها، به «آرمان ملی» گفت: همه جوامع تا حدی دچار قانون گریزی هستند و این تنها مختص ایران نیست و هرکدام به نوعی با این مساله روبه‌رو هستند. این قانون گریزی دلایل خاص خود را دارد و از سمت و سوی نوع تربیت افراد شکل می‌گیرد. یعنی قانونمداری و اینکه فرد بتواند در سنین جوانی که گواهینامه را دریافت می‌کند، فردی شود که به قانون احترام بگذارد، این بستگی به تربیت فرد در کودکی دارد. وقتی والدین در سنین کودکی و نوجوانی برای فرزندشان قانون بگذارند و پای بندی به آن قوانین را از کودک خود بخواهند و اگر خلاف آن قوانین را انجام دهد، عواقبی را برایش درنظرگیرند، این سبب می‌شود که فرد در سن کم قانونمند شود. مثلا افراد بیش فعال، افرادی هستند که اگر در کودکی برایشان قانون مشخص نکنیم، و اجازه دهیم که هرکاری دوست داشتند انجام دهند، در آینده ممکن است دچار اختلال شخصیت ضداجتماعی شوند و مستعد آن هستند که این مساله بسیار مهم است که رعایت شود.

شکل گیری هویت قبل ۱۵ سالگی

این استاد دانشگاه با اشاره به نقش آموزش و پرورش نیز افزود: با توجه به اینکه تا قبل از ۱۵ سالگی هویت فرد شکل می‌گیرد، ما باید هرآنچه را که می‌خواهیم برای یک جامعه و افرادش انجام دهیم، و یادگیری کار درست را تا قبل از این سن باید به آنها بیاموزیم که این می‌تواند توسط آموزش و پرورش و معلمان مدرسه صورت گیرد که به باور بنیادی در افراد تبدیل شود. روزبهانی با بیان نقش اثر تکرار در روانشناسی افزود: وقتی مساله‌ای را چندین بار برای یک فرد تکرار کنیم، آن مساله به باور بنیادی فرد تبدیل می‌شود. اگر در مدرسه و خانه، والدین هم مسائلی را که درست است نه به صورت زجرآور بلکه به صورت مثبت برای فرزند خود تکرار کنند، این باعث می‌شود که آن باور درست برای فرد شکل گیرد و در آینده فردی نشود که قانون گریز باشد و باور درستی نسبت به این مساله پیدا کند. درکنار آنها صدا و سیما هم می‌تواند تاثیرگذار باشد که برنامه‌های فرهنگی بسازد که من در خاطر دارم مثلا ده سال قبل بود و قوانین درست را به صورت انیمیشن آموزش می‌داد، که این می‌تواند موثر باشد و وقتی تکرار شود، می‌شود همان اثر تکراری که در روانشناسی اجتماعی وجود دارد و می‌تواند کمک کننده باشد.

مختل شدن نیمی از عقل هنگام عصبانیت

این روانشناس بالینی با اشاره به تاثیرگذاری وضعیت روانی رانندگان در میزان خطر هنگام تصادفات، نیز گفت: قطعا تاثیرگذار است. باتوجه به اینکه افراد وقتی هیجانات شان بالا باشد، طبق پژوهشی که انجام شده است، افرادی که آی‌کیو بالای ۱۴۰ دارند، وقتی هیجانات شان، به خصوص خشمشان بالاست، سی درصد عقلشان کار نمی‌کند و تقریبا مثل یک عقب مانده ذهنی مرزی رفتار می‌کنند. حالا افراد معمول جامعه که ضریب هوشی آنها بین ۹۰ تا ۱۱۰ است، قطعا درصد بالاتری را خواهند داشت و حدود زیر ۵۰ درصد عقلشان هنگام عصبانیت کار می‌کند. وقتی هیجان بالا باشد، عقل به همان نسبت کاهش پیدا می‌کند. مثل یک عقب مانده ذهنی شدید رفتار می‌کنیم، وقتی که خشم یا دیگر هیجانات‌مان بالاست. فردی که وضعیت روانی سالمی ندارد، مانند فردی است که عقلش کار نمی‌کند و رفتارهای هیجانی و بدون منطق انجام می‌دهد و تصمیمات غیرمنطقی می‌گیرد و نباید از این فرد انتظار رفتارهای درست را داشته باشیم.

خشم و هیجانات بالا، از عوامل تصادفات

روزبهانی با موثر دانستن سایر هیجانات در تصادفات نیز گفت: اگر فرد نه تنها خشم بلکه هیجان بالایی هم داشته باشد، مثلا من خودم یک بیمار داشتم که دچار مانیا یا شیدایی بود و در این حالت آنقدر شاد و پرانرژی بود که خودش بعد از تصادف می‌گفت که فقط روشن کردن ماشینم را به خاطر دارم و بعد از آن را به یاد نمی‌آورد که چپ کرده بود. پس فقط خشم آسیب زا نیست و شادی بیش از حد هم می‌تواند آسیب زا باشد. البته ما هم هیجانات مثبت داریم و هم هیجانات مخرب. خشم و شادی بیش از حد، قطعا می‌تواند اثر منفی داشته باشد و نگذارد عملکرد مغز به درستی انجام شود و هیجانات و احساسات غالب و منجر به تصمیمات و رفتارهای غیرمنطقی و غیراصولی شود. که از آن جمله می‌تواند ویراژ دادن باشد یا دعوا و خشونت با دیگران یا سرعت‌های غیرمجاز باشد. او درباره لزوم تست سلامت روان برای دریافت گواهینامه نیز گفت: به نظرمن این اقدام بسیار اصولی است که تأییدیه‌ای از روانشناسان گرفته شود. زیرا ممکن است فرد راننده ضداجتماع یا دوقطبی باشد و این می‌تواند خطرناک باشد. خیلی از تصادفاتی که اتفاق می‌افتد، از سمت و سوی افرادی است که وضعیت روانی ناسالمی دارند و برخی از آنها حتی مشکلاتی دارند که شناخته و تشخیص داده نشده است و همین سبب شده است که فرد رفتارهای هیجانی انجام داده و باعث تصادفات خطرناک و شدید شده است.

روایت کارگران عسلویه از شرایط کار در تابستان سوزان

خطر جانی گرمازدگی برای کارگران

در تابستان امسال، در این بخش از پالایشگاه بیش از ده کارگر مصدوم شدند که حدود ۸ مورد آن‌ها گرمازدگی بوده است. کارگران می‌گویند: «صدای این اتفاقات به جایی درز پیدا نمی‌کند. به گزارش ایلنا، بیستم مردادماه دو کارگر، یکی در پالایشگاه پارس جنوبی و دیگری در پتروشیمی بندر امام جان خود را براثر گرمازدگی از دست دادند و یک کارگر هم راهی بیمارستان شد. کمی قبلتر، در ۲۵ تیرماه، کارگر دیگری در دزفول حین انجام کار در ماشین دچار گرمازدگی شد و او نیز جان داد. آمار دقیقی از مرگ کارگران بر اثر گرمازدگی در دست نداریم؛ آنچه در رسانه‌ها منتشر می‌شود، کمتر از چیزی است که در واقعیت اتفاق می‌افتد. از طرفی، در مواقعی ممکن است گرمازدگی علت اصلی مرگ کارگر باشد اما در گواهی فوت، دلیل دیگری مثل ایست قلبی ثبت شود. با در نظر گرفتنِ مجموع این شرایط، آنچه گرما می‌تواند بر سر کارگران بیاورد بسیار وسیع‌تر از اخباری است که گهگاه در رسانه‌ها منتشر می‌شود. مهدی خالویی، کارشناس مهندسی بهداشت حرفه‌ای، در رابطه با میزان تأثیر گرمازدگی بر سلامت کارگران به «ایلنا» می‌گوید: «شاخص استرس حرارتی در محیط کار بسیار خطرناک است؛ به گونه‌ای که حدود ۵۰ درصد از کارگرانی که تحت تأثیر تنش حرارتی قرار می‌گیرند، در نهایت دچار مرگ می‌شوند. این آمار در هیچ یک از عوامل زیان‌آور دیگر مانند مواجهه با مواد شیمیایی مثل سرب، بنزن، آلودگی صوتی و غیره مشاهده نمی‌شود. حتی فکر نمی‌کنم در جنگ هم این آمار که صد نفر بروند و ۵۰ نفر برنگردند وجود داشته باشد! بنابراین می‌توان گفت که تنش حرارتی یکی از خطرناک‌ترین عوامل زیان‌آور محیط کار است و نباید به عنوان یک عامل زیان‌آور میانه به آن نگاه کرد.» این ریسک بالای خطر جانی گرمازدگی برای کارگران، اما چندان اهمیتی برای کارفرمایان ندارد. کارگران به خصوص در مناطق گرم و شرجی چون عسلویه، کنگان، خارک، اهواز، ماهشهر، مسجد سلیمان، ایرانشهر، چابهار و... در تابستان، در شرایطی به معنای واقعی کلمه، سخت و طاقت‌فرسا کار می‌کنند بدون آنکه کمترین اقدامی برای ایمن نگه داشتن آن‌ها از خطر گرمازدگی انجام شود.

اینجا جهنم است

برای آن‌که بدانیم آن‌ها دقیقا در چه شرایطی کار می‌کنند، با تعدادی از کارگران روزمزد و ارکان ثالث یکی از پالایشگاه‌های پارس جنوبی تماس گرفتم. اوضاع خیلی وخیم‌تر از آن چیزی ست که فکر می‌کنیم. یکی از کارگران با یک جمله، شرایط کار در مردادماه پالایشگاه را برایم توصیف می‌کند: «اینجا جهنم است؛ تصور کنید ۸ ساعت در جایی شبیه به سونا مانده‌اید و دارید یک کار یدی سخت انجام می‌دهید....» دوره اورهال یا تعمیرات اساسی در اوج گرمای تابستان شروع شده و پیمانکاران، نیروهای روزمزد را برای این دوره فراخوانده‌اند. کارگران روزمزد شهرها و روستاهای اطراف پالایشگاه که احتمالا مدت‌ها در انتظار رسیدن این دوره بودند، حاضرند در هر شرایطی کار کنند. حتی اگر بدانند این کار ممکن است به قیمت جانشان تمام شود! یکی از نیروهای ارکان ثالث چارتی می‌گوید: «اوضاع همه ما بد است اما وضعیت کارگران روزمزد که برای دوره اورهال می‌آیند بدتر از همه است. آن‌ها مجبورند کار یدی سخت در گرمای بالای ۵۰ درجه و رطوبت بالای ۷۰ درجه انجام دهند و صدایشان هم در نیاید.» کارگران می‌گویند در دوره ۲۰ روزه اورهال، پیمانکاران بیش از هر زمان دیگری به سریع انجام شدن کار فکر می‌کنند و برایشان مهم نیست کارگران در چه شرایطی هستند و چه برسر آن‌ها می‌آید. آنطور که کارگران می‌گویند، روتینِ کاری در این بخش از پالایشگاه در دوره تعمیرات اینگونه است: کارگران ۸ ساعت کار می‌کنند. کار آن‌ها از ۷ و نیم صبح آغاز می‌شود و تا ۱۱ و نیم ادامه دارد. بعد از یک دوره کوتاه استراحت روزانه، کار مجدد از ساعت ۲ ظهر آغاز و تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه دارد و بعد هم کارگران به خوابگاه‌هایشان می‌روند. کار در آفتاب سوزان عسلویه روی بلندی‌هایی که گاهی ارتفاع‌شان حتی به ۴۰ تا ۵۰ متر می‌رسد، نه فقط طاقت‌فرسا، که طبق گفته کارشناسان بازی با جان است و باید شرایط لازم برای کاهش خطرات احتمالی فراهم شود. خالویی، کارشناس مهندسی بهداشت حرفه‌ای، می‌گوید: به طور خاص، بدن انسان برای انجام فعالیت‌های حیاتی مانند عملکرد کلیه، قلب، مغز و خون به تعادل کاتیون‌ها (مانند سدیم و پتاسیم) وابسته است. این کاتیون‌ها از طریق عرق کردن در اثر گرما از بدن دفع می‌شوند و اگر جایگزین نشوند، ممکن است مشکلات جدی مانند اختلالات قلبی، ماهیچه‌ای، ضعف و غش ایجاد شود.

تامین آسایش دمایی

این کارشناس بهداشت حرفه‌ای، راهکار مقابله با این مسئله را در تأمین آسایش دمایی محیط کار برای کارگران و اصلاح رژیم غذایی آن‌ها می‌داند و می‌گوید: ایجاد آسایش دمایی برای کارگری که در فضای باز کار می‌کند سخت است و در برخی مناطق، خواهی نخواهی کارگری که در فضای بیرون کار می‌کند با تنش گرمایی مواجه می‌شود. کارگر باید از میزانِ این خطر آگاه باشد چرا که خیلی اوقات سیستم امکان لازم برای در امان ماندن کارگر را فراهم نمی‌کند، بنابراین کارگر باید آگاهانه باتوجه به شرایط محیط رفتار کند، مثلا تا جایی که می‌تواند در محیط سایه تردد کند. وی تأکید می‌کند: رژیم غذایی بسیار مهم است. املاح معدنی از دست رفته از طریق عرق باید با مواد غذایی جبران شود. مثلا خوردن یک ساشه او - آر - اس می‌تواند به برگشت املاح از دست رفته کمک کند. موضوع مهم دیگر کم‌آبی بدن است که یکی از نارسایی‌های اساسی محسوب می‌شود. هر چه میزان آب بدن کاهش یابد، احتمال بروز مشکلات ناشی از کم‌آبی افزایش می‌یابد. با توصیفی که کارگران از شرایط کار در عسلویه به ما می‌دهند اجرای برخی از راهکارها برای کاهش ریسک گرمازدگی، از جمله «تأمین شرایط آسایش دمایی محیط کار» حتی در حد حداقلی آن، چیزی شبیه به رویاست. یکی از کارگران می‌گوید: «کارگران روزمزد حتی یک کانکس درست و حسابی هم برای استراحت و تجدید قوا ندارند. حداقلی‌ترین کار این است که سرویس بهداشتی به تعداد مناسب و حمام وجود داشته باشد اما حتی این را هم از کارگران روزمزد دریغ می‌کنند.“ گرمای شرجی هوا به قدری زیاد است که تنها چند دقیقه بعد از حضور در محیط، تمام بدن عرق می‌کند و همه‌ی لباس‌ها خیس می‌شود. کارگران، حداقل باید روزی دو تا سه بار لباس خود را تعویض کنند و دوش بگیرند. یکی از کارگران ارکان ثالث می‌گوید: «وقتی وارد محیط می‌شوم و برمی‌گردم باید لباسم را سریع عوض کنم و دوش بگیرم. کل بدنم عرق سوز و زخم می‌شود و باید سریع بدنم را ترمیم کنم. ما دائم در بلندی نیستیم اما کارگران روزمزد در دوره اورهال دائم در معرض آفتاب قرار دارند اما حتی این امکاناتِ حداقلی سطحی را هم ندارند. خوابگاه‌های آن‌ها شرایط مناسبی برای استراحت ندارد. یکبار یکی از این کارگران به من گفت ساعت ۶ که به خوابگاه برگشته آب قطع بوده و تا ساعت ۱۱ شب نتوانسته دوش بگیرد. تصور کنید، ۸ ساعت در شرایط سنگین کار کرده و بعد که به خوابگاه برگشته آب نبوده. ببینید چه زجری می‌کشند!» اما آیا اقداماتِ دیگری چون اصلاح رژیم غذایی - مثلا توزیع ساشه‌های او - آر - اس برای تأمین املاح مورد نیاز بدن - اجرا می‌شود؟ آیا کارفرمایان این حداقل نکات ایمنی را رعایت می‌کنند؟ کارگران می‌گویند: «حتی یک شربت لیموی ساده را هم از ما دریغ می‌کنند. به گفته‌ی آن‌ها طبق پیمان، کارفرما باید یک پک مغذی به کارگران بدهد که این پک شامل شیر و آب‌میوه و آجیل و کیک و... است اما کارگران پیمانکاری و روزمزد از این پک مغذی، تنها یک کیک و آبمیوه‌ی گرم به دستشان می‌رسد.“ آنطور که شنیده‌ام، در تابستان امسال، در این بخش از پالایشگاه بیش از ده کارگر مصدوم شدند که حدود ۸ مورد آن‌ها گرمازدگی بوده است. کارگران می‌گویند: «خبر این اتفاقات به جایی درز نمی‌کند. چند وقت پیش یک گروه رسانه‌ای به اینجا آوردند که بگویند همه چیز شیک و مجلسی در حال انجام است. مدیران می‌نشینند و صحبت می‌کنند و کسی نمی‌آید ببیند کارگر در چه وضعیتی کار می‌کند!»

گزارش

افزایش مسئولیت اجتماعی جوانان پس از جنگ

یک جامعه‌شناس و عضو پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی با تأکید بر ضرورت نگاه علمی و جامعه‌شناسانه به بحران‌ها، گفت: جنگ ۱۲ روزه تحمیلی، با همه تلخی‌ها و دردهای انسانی، فرصتی بی‌نظیر برای بازسازی و تقویت سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی در ایران بود. تجربه نشان داد که نسل جوان، علاوه بر احساس مسئولیت، توانایی سازماندهی و همکاری مؤثر در شرایط بحرانی را دارد.

دکتر طاهره رستمی در گفت‌وگو با ایسنا، افزود: جنگ ۱۲ روزه، آزمونی بزرگ برای تاب‌آوری اجتماعی ایران بود. در این شرایط، صفوف جامعه متحد شد و نسل جوان با حضور فعال خود توانست نشان دهد که اعتماد عمومی و همبستگی اجتماعی هنوز زنده و پویاست. وی ادامه داد: بحران‌ها، فرصتی برای بازنگری در سازوکارهای اجتماعی و تقویت شبکه‌های همکاری هستند. نسل جوان با مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و محلی، نقش مؤثری در تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی ایفا کردند. تحقیقات میدانی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از جوانان، به ویژه دانشجویان و نوجوانان، در جریان جنگ ۱۲ روزه در فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه حضور داشتند. این فعالیت‌ها شامل کمک‌های مردمی، اطلاع‌رسانی، پشتیبانی محلی و همکاری با نهادهای اجتماعی برای حفظ آرامش و امنیت جامعه بود.

رستمی عنوان کرد: نکته کلیدی این است که جوانان، نه تنها با حضور فیزیکی، بلکه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت انسجام اجتماعی داشتند و توانستند روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری را گسترش دهند. با این حال، بخشی از جوانان احساس کردند که فرصت کافی برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی ندارند. این موضوع نشان می‌دهد که برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی، صرفاً واکنش هیجانی کافی نیست و لازم است سازوکارهای مشارکتی و نهادینه ایجاد شود. انسجام اجتماعی یعنی میزان پیوند و تعلق میان اعضای جامعه و سرمایه اجتماعی به منابع و توانایی‌هایی اشاره دارد که از اعتماد و همکاری مردم با یکدیگر شکل می‌گیرد. بحران‌ها معمولاً پیوندهای موقت ایجاد می‌کنند، اما برای تبدیل این پیوندها به همکاری پایدار، نیاز به ساختارها و نهادهای حمایتی وجود دارد.

وی ادامه داد: جامعه‌شناسان همبستگی اجتماعی را به دو نوع تقسیم می‌کنند: یکی بر اساس شباهت‌ها و تجربه‌های مشترک که در بحران تقویت می‌شود، و دیگری بر پایه همکاری‌های سازمان‌یافته که برای پایداری بلندمدت جامعه ضروری است. عضو پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی تأکید کرد: در ایران امروز، برای حفظ انسجام اجتماعی پس از بحران، لازم است همبستگی مکانیکی شکل‌گرفته در جریان جنگ ۱۲ روزه به همبستگی ارگانیک تبدیل شود؛ در غیر این صورت، تأثیرات مثبت بحران گذرا و کوتاه‌مدت خواهد بود. وی با اشاره به نتایج مطالعات میدانی افزود: فعالیت‌های جوانان در مناطق مختلف کشور از جمله استان‌های تهران، کرمانشاه و خوزستان، طی این دوره شامل تشکیل گروه‌های داوطلب برای کمک‌های اضطراری به خانواده‌های آسیب‌دیده، حضور فعال در اطلاع‌رسانی و رسانه‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی، فعالیت هدفمند در فضای مجازی برای مقابله با شایعه‌پراکنی و تحکیم روحیه وحدت اجتماعی، همکاری با نهادهای فرهنگی برای ترویج همبستگی و مقاومت و مشارکت در برنامه‌های آموزشی و روانشناسی با هدف کاهش اضطراب و ترس در جامعه بوده است. وی با تأکید بر اینکه این اقدامات نشان‌دهنده ظرفیت بالای نسل جوان برای ایفای نقش فعال اجتماعی حتی در شرایط بحرانی است، اظهار کرد که بهره‌گیری درست از این ظرفیت، نیازمند سیاست‌گذاری هوشمند و مشارکتی است.

رستمی گفت: بر اساس داده‌های اولیه، بیش از ۶۰ درصد جوانان بین ۱۸ تا ۳۰ سال در فعالیت‌های داوطلبانه محلی شرکت کردند. حدود ۴۵ درصد از این افراد اظهار کرده‌اند که تجربه مشارکت در بحران، اعتماد آن‌ها به هم‌نسلان و شبکه‌های اجتماعی را افزایش داده است. همچنین بیش از ۵۰ درصد دانشجویان گزارش داده‌اند که احساس مسئولیت اجتماعی آنان پس از بحران افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه نگاهی به تجربه جهانی نشان می‌دهد که نحوه مدیریت بحران، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی دارد اظهارکرد: به عنوان مثال در زلزله ژاپن ۲۰۱۱ هماهنگی سازمان‌یافته و شفافیت نهادها باعث حفظ سرمایه اجتماعی و تسریع در بازسازی شد و در طوفان کاترینا ۲۰۰۵، آمریکا پاسخ ناکافی نهادها منجر به کاهش اعتماد و تشدید شکاف‌های اجتماعی شد.

رستمی در پایان گفت: ایران با سابقه مواجهه با بحران‌های طبیعی و انسانی، ظرفیت بالایی برای واکنش اجتماعی دارد، اما بدون سیاست‌گذاری هوشمند و مشارکتی، این ظرفیت ممکن است گذرا باقی بماند.

روی خط آرمان ملی

۸۸۱۰۵۰۰۷

بازنشستگی پیش از موعد

چرا قانون بازنشستگی پیش از موعد برای خانم‌ها اجرایی نمی‌شود خدارو خوش می‌یاد مردان که سرپرست ونان‌آور خانواده هستند بیکارند اما خانم‌ها تمام شغلها را با حقوق پایین‌تر گرفتن با بازنشستگی خانم‌ها موافقت کنید. واقعا تاوقتی خانم‌ها با حقوق کم حاضر به کار کردن هستند هیچ کارفرمایی حاضر به استخدام کارگر یا کارمند مرد نیست.

یک شهروند از تهران

بیمه بیکاری

به بهانه تعدیل نیرو و اخراج شدن از کار با سختی‌های فراوان بیمه بیکاری دریافت می‌کنم ولی در حال حاضر هر ماه باید منتظر واریز حقوق باشیم که روز مشخصی ندارد و دیرتر از زمان قبلی واریز می‌شود از مسئولان تقاضا داریم که به فکر ما بیکارها هم باشند.

محمدی از تهران